

رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی

The Relationship between Attachment Styles and Resiliency: The Mediating Role of Emotional Intelligence

Mahboobeh Alborzi, PhD
Shiraz University

Fariba Khoshbakht, PhD
Shiraz University

فریبا خوشبخت
استادیار دانشگاه شیراز

محبوبه البرزی
دانشیار دانشگاه شیراز

HamidReza Golzar
MA in Clinical Psychology

Mostafa Sabri
MA in Clinical Psychology

مصطفی صبری
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

حمیدرضا گلزار
کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز بود. بدین منظور ۲۰۴ دانشجوی کارشناسی با استفاده از روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی (هازن و شیور، ۱۹۸۷)، تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳) و هوش هیجانی (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۱) پاسخ دادند. نتایج نشان دادند (۱) بین سبک دلبستگی ایمن و هوش هیجانی و تاب‌آوری، رابطه مثبت وجود دارد، (۲) بین دلبستگی نایمن دوسوگرا و هوش هیجانی و تاب‌آوری، رابطه منفی وجود دارد، (۳) ارتباط بین دلبستگی نایمن اجتنابی و تاب‌آوری منفی معنادار است، و (۴) بین هوش هیجانی و تاب‌آوری، همبستگی مثبت و معنادار است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند دلبستگی ایمن، پیش‌بینی‌کننده مثبت و دلبستگی نایمن دوسوگرا، پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار هوش هیجانی هستند. هوش هیجانی نیز پیش‌بینی‌کننده مثبت و معنادار تاب‌آوری بود. این پژوهش، با تأیید نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری دانشجویان، اهمیت هوش هیجانی در زندگی فردی و تحصیلی دانشجویان را برجسته کرد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of emotional intelligence in the relationship between attachment styles and the resiliency. Two hundred and four students were selected from Shiraz University by random cluster sampling method. The participants completed the Attachment Styles (Hazan and Shaver, 1987), the Resiliency (Connor and Davidson, 2003) and the Emotional Intelligence Questionnaires (Petrides and Furnham, 2001). The results indicated that 1) there were positive relations among secure attachment, emotional intelligence, and resiliency, 2) there were negative relations among insecure ambivalent attachment, emotional intelligence, and resiliency, 3) there were negative relationship between insecure avoidant attachment and resiliency, and 4) emotional intelligence correlated positively with resiliency. The results of regression analysis indicated that secure attachment predicted emotional intelligence positively and ambivalent attachment predicted emotional intelligence negatively. In addition, emotional intelligence was positively and significantly related to resiliency. The findings suggested the mediating role of emotional intelligence in the relationship between attachment styles and resiliency. These findings highlight the importance of emotional intelligence in students' personal and academic lives.

Keywords: attachment styles, emotional intelligence, resiliency

received: 16 December 2013

accepted: 20 June 2014

Contact information: malborzi@shirazu.ac.ir

دریافت: ۹۲/۹/۲۵

پذیرش: ۹۳/۳/۲۹

مقدمه

یکی از مهم‌ترین هدف‌های روی‌آورد روان‌شناسی مثبت^۱، شناسایی متغیرها و روش‌هایی است که بر بهزیستی و سلامت روانی تأثیر دارد و موجب زندگی بهتر و سازگاری انسان با نیازها و تهدیدهای زندگی می‌شود. از جمله ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی که در روان‌شناسی مثبت‌گرا اهمیت بسزایی دارد، تاب‌آوری^۲ است. تاب‌آوری، سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است (والر، ۲۰۰۱). تاب‌آوری به معنای مقاومت فعل‌پذیر در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست، بلکه به منزله مشارکت فعال و سازنده محیط پیرامونی خود است (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). افرادی که دارای تاب‌آوری هستند، اغلب با ایجاد هیجان‌های مثبت، پس از مقابله و رویارویی با موقعیت‌های تنیدگی‌زا به حالت طبیعی بازمی‌گردند (ارک و دیگران، ۲۰۰۸). مالدینگ، پیترز، رابرتز، ائونارد و اسپارکمن (۲۰۱۲) معتقدند مشخصه ذاتی و درونی تاب‌آوری، خودشکوفایی^۳ است؛ افراد تاب‌آور دارای جهت‌گیری مشخص در زندگی‌اند، در ارتباط با دیگران نقش حمایت‌گرانه دارند و دارای قدرت درونی هستند. افزون بر آن، تاب‌آوری، پیامدهای مثبت متعددی از جمله خودکارآمدی^۴ را در پی دارد (گیلک، محمدی و باقری، ۱۳۹۲).

عوامل متعددی در تاب‌آوری نقش دارند. برای مثال ماستن و رید (۲۰۰۴) بر این باورند که تاب‌آوری به عوامل درونی (مهارت‌های شناختی^۵، تنظیم هیجان‌ها^۶)، عوامل خانوادگی (جو خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری^۷) و عوامل اجتماعی (امنیت اجتماعی، حمایت هم‌تایان) وابسته است. برخی از پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند یکی از مهم‌ترین متغیرهای فردی مؤثر بر تاب‌آوری، هوش هیجانی^۸ است (رینود و دیگران، ۲۰۱۳؛ آرمستورنگ، گالیگان و کریچلی، ۲۰۱۱).

هوش هیجانی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساس‌ها، انگیزش و مهار هیجان‌ها در زمینه فردی و روابط اجتماعی اشاره دارد (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۱). در ادبیات پژوهشی، هوش هیجانی به دو شکل مفهوم‌سازی شده است. در شکل نخست، آن را مجموعه توانایی‌های عقلی و ذهنی می‌دانند

که شامل ادراک درست هیجان‌ها، استفاده از آگاهی هیجانی در تسهیل جریان تفکر، درک و شناخت هیجان‌ها و تمایز بین آنها و همچنین تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران است (مایر، سالووی و کاروسو، ۲۰۰۸). در مفهوم‌سازی دوم هوش هیجانی به توانایی‌های غیرشناختی اشاره دارد که به مثابه شایستگی‌ها و رگه‌های شخصیتی مانند همدلی، انگیزش، انسجام و خونگرمی، مدل‌سازی شده و به عنوان نظریه صفات^۹ شناخته می‌شود (زیدنر، متیوس و رابرتز، ۲۰۰۹). بارآن (۲۰۰۰) معتقد است هوش هیجانی دارای پنج مؤلفه مهارت‌های درون‌فردی^{۱۰}، مهارت‌های بین‌فردی^{۱۱}، سازش‌یافتگی^{۱۲}، مهارت‌تیدیگی^{۱۳} و خلق عمومی^{۱۴} است. رینود و دیگران (۲۰۱۳) نشان دادند بین تجربه‌ها و شیوه‌های برخورد هیجانی افراد با تاب‌آوری رابطه معنادار وجود دارد. در واقع پاسخ هیجانی مناسب در موقعیت‌های تنیدگی‌زا برای سازش‌یافتگی با رویدادهای آزاردهنده در زندگی روزانه ضروری است. در پژوهشی دیگر آرمستورنگ و دیگران (۲۰۱۱) هوش هیجانی را به عنوان یک عامل محافظتی در ارتباط با رویدادهای منفی زندگی معرفی کرده‌اند. لیو، وانگ و لو (۲۰۱۳) نیز با بررسی نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در ارتباط بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی دریافتند تاب‌آوری نوعی تعادل عاطفی را به‌وجود می‌آورد. همچنین، مین، یو، لی و چای (۲۰۱۳) همبستگی بالا و معنادار بین راهبردهای سازش‌یافته هوش هیجانی و تاب‌آوری را نشان دادند.

از جمله متغیرهای محیطی مؤثر بر تاب‌آوری، عوامل مربوط به خانواده است. عوامل خانوادگی مانند شیوه‌های ارتباطی، سبک‌های دلبستگی^{۱۵} و روش‌های فرزندپروری از طریق فرایندها و مکانیزم‌های شناختی و هیجانی منجر به پیامدهای مثبتی همچون تاب‌آوری می‌شوند. والدین با نوع ارتباط و دلبستگی که برای فرزندان ایجاد می‌کنند بر هوش هیجانی، تاب‌آوری و بسیاری از پیامدهای فردی و اجتماعی تأثیر بسزایی بر جای می‌گذارند (حسینی، شیخان، اریاناکیا و محمودزاده، ۱۳۹۲). تأثیر مثبت الگوهای ارتباطی و رفتاری والدین بر هوش هیجانی فرزندان در پژوهش‌های متعددی تأیید شده است. برای مثال صبری، البرزی و بهرامی (۱۳۹۲) نشان دادند بعد گفت و شنود^{۱۶}

1. positive psychology
2. resiliency
3. self-actualization
4. self-efficacy

5. cognitive skills
6. emotion-regard
7. parenting
8. emotional intelligence

9. Trait Theory
10. interpersonal
11. intrapersonal
12. adaptability

13. stress control
14. general mood
15. attachment styles
16. conversation

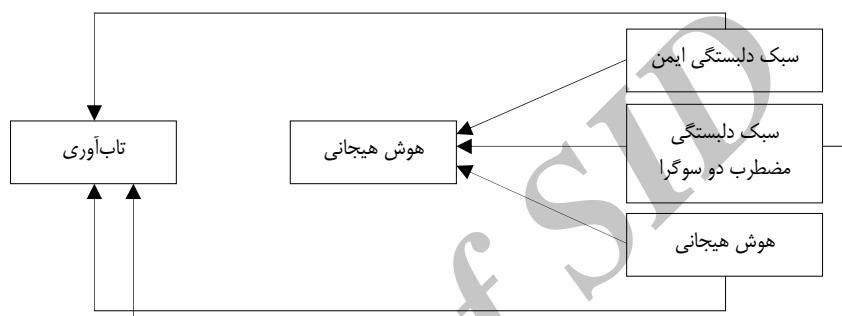
پژوهش کفتسیوس (۲۰۰۴) نیز دل‌بستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار با تمامی زیرمقیاس‌ها و نمره کلی هوش هیجانی داشت. حدادی کوهسار و غباری‌بناب (۲۰۱۱) نیز مطرح می‌کنند که هوش هیجانی مدیران دبیرستان توسط کیفیت دل‌بستگی آنها قابل پیش‌بینی است و افراد با سبک دل‌بستگی ایمن، در مقایسه با افراد با سبک دل‌بستگی اضطرابی، دارای هوش هیجانی بالاتری هستند. در بررسی دیگری در مورد نمونه‌ای از نوجوانان مجرم، نشان داده شد که هوش هیجانی می‌تواند سبک دل‌بستگی آنها را پیش‌بینی کند و افراد با سبک دل‌بستگی ایمن دارای هوش هیجانی بالاتری نسبت به افراد با دل‌بستگی اضطرابی بودند (غباری‌بناب و حدادی کوهسار، ۲۰۱۱). در مجموع تحقیقات نمایانگر تأثیر سبک‌های دل‌بستگی بر هوش هیجانی است.

افزون بر رابطه سبک‌های دل‌بستگی و هوش هیجانی و تاب‌آوری، پژوهش‌هایی نیز در زمینه تأثیر سبک‌های دل‌بستگی بر تاب‌آوری انجام شده است. در این ارتباط سوانبرگ (۱۹۹۸) معتقد است دل‌بستگی ایمن، تاب‌آوری لازم را در فرد برای مقابله با بسیاری از رویدادهای ناگوار فراهم می‌کند تا در آینده به عنوان یک بزرگسال بدون آسیب‌های روان‌شناختی با آنها مقابله کند. هاوکینز-راجرز (۲۰۰۷)، نشان داد زنان دل‌بسته اجتنابی، آمادگی بیشتری برای خشم دارند و رفتارهای مقابله‌ای منفی بیشتری نشان می‌دهند. از سوی دیگر دل‌بستگی ایمن با حفاظت در برابر آسیب در ارتباط است. در پژوهش بارتلی، هد و سنتسفلد (۲۰۰۷) نیز نشان داده شد افراد ایمن در مقایسه با افراد نایمن از تاب‌آوری بیشتری برخوردارند.

مرور پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، هوش هیجانی و تاب‌آوری و ارتباط این سه متغیر، حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام‌شده در مورد عوامل مؤثر بر تاب‌آوری، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات اندکی به بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای در این رابطه پرداخته است. پژوهش حاضر به بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و تاب‌آوری اختصاص یافته است. نقش واسطه‌ای هوش هیجانی بین متغیرهای محیطی و پیامدهای فردی در بسیاری مطالعات نشان داده شده است (بشارت،

از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، می‌تواند تغییرات مرتبط با هوش هیجانی را به شکل معناداری پیش‌بینی کند. در زمینه سبک‌های دل‌بستگی نیز هوش هیجانی به عنوان یک همبسته هیجانی یا پیامد هیجانی واقعی از سازه سبک‌های دل‌بستگی مفهوم‌سازی شده است (کیم، ۲۰۰۵). سبک دل‌بستگی به تفاوت‌های فردی کلی و پایدار در جهت‌گیری‌هایی که اشخاص در آنها آرامش را تجربه می‌کنند و در جست‌وجوی حمایت هیجانی هستند، اشاره دارد (رولز و سیمپسون، ۲۰۰۴). برنیگ و بیت (۲۰۱۳) معتقدند تعامل‌های اولیه کودک با مراقب و نوع دل‌بستگی، منجر به راهبردهای متفاوت در تنظیم هیجانی بعدی می‌شود. هوپر (۲۰۰۷) نیز به نوع دل‌بستگی اولیه کودک به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده تعامل‌های فردی وی با دیگران اشاره دارد. هازن و شبور (۱۹۸۷) براساس نظریه بالبی، سه نوع دل‌بستگی را تعریف می‌کنند: سبک دل‌بستگی ایمن^۱ مبنی افرادی است که به راحتی می‌توانند با دیگران رابطه برقرار کنند و برای دریافت حمایت دیگران از خود تمایل نشان دهند. کسانی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند، تصور مثبتی از خود داشته و از دیگران نیز توقعات و انتظارات معقول و مثبتی دارند. سبک دل‌بستگی مضطرب دوسوگرا^۲ نمایانگر افرادی است که تمایل زیادی به برقراری ارتباط صمیمانه با دیگران دارند، اما در عین حال نگران آن هستند که مورد پذیرش قرار نگیرند. آنها در صورتی احساس خوب نسبت به خود خواهند داشت که دیگران آنها را بپذیرند. سبک دل‌بستگی اجتنابی^۳ نشان‌دهنده افرادی است که برای آنها مسئله مهم اتکا به خویشان است و زمانی که احتمال طرد شدن از سوی دیگران می‌رود، این افراد می‌کوشند نیاز به دل‌بستگی را انکار کرده و تصویر مثبت خود را حفظ کنند. اشخاص دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی، تصویر منفی از دیگران دارند. در زمینه تأثیر سبک‌های دل‌بستگی بر هوش هیجانی، پژوهشگران از این عقیده که هر سبک دل‌بستگی با جنبه‌های متفاوتی از هوش هیجانی در ارتباط است، حمایت می‌کنند. پژوهشگران بیان می‌دارند دل‌بستگی ایمن با عامل آرامش و آسودگی و دل‌بستگی نایمن با آگاهی هیجانی پایین همبستگی معنادار دارد (مالینکوردت و وی، ۲۰۰۵). در پژوهش پینگ، دویس و اودنوان (۲۰۱۳)، عدم توانایی تنظیم هیجان، متأثر از سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی بود. در

طبق این مدل، بافت اجتماعی و خانوادگی، به واسطه هوش هیجانی بر نحوه سازگاری و سلامت فرد تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر تاب‌آوری نیز نوعی سازش‌یافتگی است. بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان این مدل را در مورد تاب‌آوری، مورد آزمون قرار داد. در مدل پیشنهادی پژوهش حاضر که در شکل ۱ نشان داده شده، سبک‌های دلبستگی با سه بعد متغیر برون‌زاد سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی متغیر واسطه‌ای و تاب‌آوری، متغیر درون‌زاد در نظر گرفته شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

تصادفی انتخاب شد و از بین مجموع اتاق‌های دانشجویان کارشناسی هر خوابگاه (حدود ۱۰۰ اتاق)، ۱۰ اتاق که در هر اتاق شش دانشجوی ساکن بودند به صورت تصادفی انتخاب شدند (۲۰ اتاق در خوابگاه پسران و ۲۰ اتاق در خوابگاه دختران). کلیه دانشجویان ساکن در هر اتاق به عنوان نمونه پژوهش (۲۴۰ نفر) به پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال^۱، پرسشنامه هوش هیجانی^۲ و مقیاس تاب‌آوری^۳ پاسخ دادند. ۳۶ دانشجو به دلیل مخدوش بودن پرسشنامه‌ها از نمونه حذف شدند.

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی بزرگسال (هازن و شیور، ۱۹۸۷). این پرسشنامه خودگزارش‌دهی با ۲۱ ماده، سه سبک دلبستگی را ارزیابی می‌کند. سبک دلبستگی ایمن با هفت ماده، سبک دلبستگی دوسوگرا با هشت ماده و سبک دلبستگی ناایمن با شش ماده سنجیده می‌شود. در این پرسشنامه که بر مبنای درجه‌بندی لیکرت (از کاملاً موافقم با نمره پنج تا کاملاً مخالفم با نمره یک) است، هفت ماده به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. هازن و شیور (۱۹۸۷) اعتبار این پرسشنامه را با روش بازآزمایی، ۰/۸۱ و با روش آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ به دست آوردند. در پژوهش بشارت (۱۳۸۴) ضرایب آلفای کرونباخ

۱۳۹۲؛ شبانی، حسن، احمد و بابا، ۲۰۱۰). لازم به ذکر است که مدل پژوهش حاضر بر مبنای پژوهش‌های پیشین و دیدگاه سیاروچی، چان، کاپوتی و روبرتز (۲۰۰۳) نقل از تجلی و لطیفیان، ۱۳۸۷) شکل گرفته است. این مؤلفان با استناد به مبانی نظری و پیشینه‌های تحقیقاتی، با ارائه مدلی نظری، نقش واسطه‌ای هوش هیجانی را مورد تأکید قرار دادند. بدین ترتیب که هوش هیجانی در حد فاصل عوامل اجتماعی یا رویدادهای زندگی و میزان سازگاری و سلامت قرار می‌گیرد.

با توجه به مدل پیشنهاد شده در این پژوهش پرسش‌های زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱- کدام یک از سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)، تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کند؟

۲- کدام یک از سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)، هوش هیجانی را پیش‌بینی می‌کند؟

۳- آیا سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی و دوسوگرا)، با توجه به نقش واسطه‌ای هوش هیجانی تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش

پژوهش حاضر، یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانشجویان دختر و پسر ساکن خوابگاه‌های دانشگاه شیراز در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ تشکیل دادند. شرکت‌کنندگان این پژوهش متشکل از ۲۰۴ دانشجو (۱۲۰ دختر و ۸۴ پسر) با میانگین سنی ۱۹/۱۵ سال بودند که با روش نمونه‌برداری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین منظور از بین خوابگاه‌های پسرانه دانشگاه شیراز دو خوابگاه و از بین خوابگاه‌های دخترانه نیز، دو خوابگاه، به صورت

حاضر برای تعیین اعتبار از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضریب $0/81$ برای کل پرسشنامه به دست آمد. برای تعیین روایی نیز همبستگی زیرمقیاس‌ها با نمره کل محاسبه شد. دامنه ضرایب همبستگی بین $0/71$ تا $0/81$ به دست آمد و تمام زیرمقیاس‌ها، همبستگی معناداری با نمره کل پرسشنامه نشان دادند.

مقیاس تاب‌آوری (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). این مقیاس با ۲۵ ماده برای سنجش تاب‌آوری ساخته شده است. هر ماده پنج گزینه به صورت همیشه درست است (نمره پنج) تا کاملاً نادرست است (نمره یک) دارد و نمره بالاتر در این مقیاس به معنای تاب‌آوری بیشتر است. روایی این مقیاس به روش تحلیل عوامل و روایی همگرا و واگرا و اعتبار آن نیز به روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ توسط سازندگان آزمون در گروه‌های مختلف (عادی و در خطر) محاسبه شده است. جوکار (۱۳۸۶) در پژوهشی روایی و اعتبار این مقیاس را در فرهنگ ایرانی بررسی و با استفاده از روش تحلیل عوامل، روایی آن را تأیید کرد. همچنین، ضریب اعتبار مقیاس مذکور، با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/70$ گزارش شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ $0/92$ به دست آمد. جهت تعیین روایی نیز همبستگی هر ماده با نمره کل آزمون محاسبه شد و نتایج نشان دادند همبستگی ماده‌ها با نمره کل در دامنه $0/42$ تا $0/69$ قرار دارد و همگی در سطح $0/01$ معنادار بودند.

به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه به شیوه همزمان استفاده شد و به این دلیل که هدف بررسی مدل است، مبنای تحلیل رگرسیون‌ها روش بارون و کنی (۱۹۸۶) بود.

یافته‌ها

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند رابطه سبک دلبستگی ایمن با هوش هیجانی و تاب‌آوری و رابطه سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا با هوش هیجانی و تاب‌آوری و رابطه سبک دلبستگی نایمن اجتنابی با تاب‌آوری معنادار است. علاوه بر این، رابطه هوش هیجانی با تاب‌آوری نیز معنادار است.

سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا برای دانشجویان دختر برابر با $0/86$ ، $0/83$ و $0/84$ و برای دانشجویان پسر برابر با $0/84$ ، $0/85$ و $0/86$ ، به دست آمد. روایی محتوایی آن نیز با سنجش ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۵ نفر از متخصصان روان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب توافق کندال برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب $0/80$ ، $0/61$ و $0/57$ محاسبه شدند. در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار این پرسشنامه، از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و ضرایب اعتبار برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا، به ترتیب برابر با $0/74$ ، $0/73$ و $0/78$ به دست آمد. به‌منظور بررسی روایی نیز، همبستگی هر ماده با زیرمقیاس مربوط به آن محاسبه شد. نتایج نشان دادند همبستگی ماده‌ها در سبک دلبستگی ایمن $0/34$ تا $0/62$ ، سبک دلبستگی نایمن اجتنابی $0/41$ تا $0/49$ و سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا $0/38$ تا $0/61$ بود که همگی در سطح $0/01$ معنادار بودند.

پرسشنامه هوش هیجانی (پترایدز و فارنهام، ۲۰۰۱). این پرسشنامه براساس روی آورد ترکیبی هوش هیجانی ساخته شد. فرم اولیه آن دارای ۱۱۴ ماده و ۱۵ مقیاس است. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه این پرسشنامه که دارای ۳۰ ماده و چهار زیرمقیاس خوش‌بینی^۱ (هفت ماده)، درک عواطف^۲ خود و دیگران (۱۰ ماده)، مهار عواطف^۳ (هفت ماده) و مهارت‌های اجتماعی^۴ (شش ماده) است، استفاده شد. نمره‌گذاری این پرسشنامه بر مبنای درجه‌بندی لیکرت از کاملاً موافقم (نمره هفت) تا کاملاً مخالفم (نمره یک) است. نمره بالاتر در این پرسشنامه به معنای برخورداری از هوش هیجانی بالاتر است. قابل ذکر است که در پژوهش حاضر صرفاً نمره کل مد نظر قرار داده شد. همسانی درونی پرسشنامه هوش هیجانی توسط پترایدز و فارنهام (۲۰۰۱) برابر با $0/86$ گزارش شده است. احمدی‌ازغندی، فراست‌معمار، تقوی و ابوالحسنی (۱۳۸۵) نیز اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/76$ تا $0/88$ گزارش کرده‌اند و همچنین وجود همبستگی مثبت معنادار بین این پرسشنامه و پرسشنامه نیمرخ شخصیتی آیزنک^۵ (۱۹۹۱)، گویای روایی همزمان مطلوب این پرسشنامه است (دلاورپور، سلطانی و حسین‌چاری، ۱۳۸۷). در پژوهش

1. optimism
2. emotional perception
3. emotional control
4. social skills

5. Eysenck Personality Questionnaire (EPQ)

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی نمره‌های شرکت‌کنندگان در سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی و تاب‌آوری

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴
۱. دلبستگی ایمن	۱۷/۰۸	۳/۴۳	-			
۲. دلبستگی ناایمن اجتنابی	۲۵/۰۴	۶/۱۵	۰/۲۵*			
۳. دلبستگی ناایمن دوسوگرا	۱۴/۶۷	۳/۴۸	-۰/۰۸	-۰/۳۱**		
۴. هوش هیجانی	۱۱۳/۷۲	۱۹/۳۷	-۰/۲۷**	-۰/۰۴	-۰/۱۶*	
۵. تاب‌آوری	۸۹/۴۸	۱۱/۲۲	۰/۱۶*	-۰/۱۷*	-۰/۳۱**	-۰/۵۷*

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۰۱

در جدول ۳، ضریب تعیین نشان می‌دهد ۰/۱۱ از واریانس هوش هیجانی، از طریق متغیر سبک‌های دلبستگی قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان دادند دلبستگی ایمن ($\beta=۰/۲۷$)، پیش‌بینی‌کننده مثبت و دلبستگی اجتنابی ($\beta=-۰/۲۰$)، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار هوش هیجانی هستند.

در جدول ۲، ضریب تعیین نشان می‌دهد ۰/۱۴ از واریانس تاب‌آوری، از طریق متغیرهای سبک‌های دلبستگی قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان دادند دلبستگی اجتنابی ($\beta=-۰/۱۴$) و دلبستگی دوسوگرا ($\beta=-۰/۲۸$)، پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار تاب‌آوری هستند و دلبستگی ایمن ($\beta=۰/۲۲$)، پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار آن است.

جدول ۲

رگرسیون تاب‌آوری بر سبک‌های دلبستگی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	<u>R</u>	<u>R^۲</u>	<u>F</u>	β	<u>t</u>
دلبستگی ایمن					-۰/۲۲	۳/۲۹**
دلبستگی نا ایمن اجتنابی	تاب‌آوری	۰/۳۸	۰/۱۱۴	۱۰/۹۶**	-۰/۱۴	۱/۹۸*
دلبستگی نا ایمن دوسوگرا					-۰/۲۸	۴/۲۰**

*P<۰/۰۵ **P<۰/۰۱

جدول ۳

رگرسیون هوش هیجانی بر سبک‌های دلبستگی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	<u>R</u>	<u>R^۲</u>	<u>F</u>	β	<u>t</u>
دلبستگی ایمن					-۰/۲۷	۳/۹۰**
دلبستگی نا ایمن اجتنابی	هوش هیجانی	۰/۳۲	۰/۱۱	۷/۷۳**	-۰/۰۴	-۰/۴۹
دلبستگی نا ایمن دوسوگرا					-۰/۲۰	۲/۷۸**

*P<۰/۰۱ **P<۰/۰۵

هوش هیجانی ($\beta=۰/۵۲$)، پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار تاب‌آوری است.

در نهایت برای نشان دادن سهم واسطه‌گری هوش هیجانی در رابطه بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری جدول مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم آورده شده است (جدول ۵).

در جدول ۴، ضریب تعیین نشان می‌دهد ۰/۳۹ درصد از واریانس تاب‌آوری، از طریق متغیرهای سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی قابل توجیه است. مقایسه ضرایب بتا نشان دادند دلبستگی اجتنابی ($\beta=-۰/۱۶$) و دلبستگی دوسوگرا ($\beta=-۰/۱۷$)، پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار تاب‌آوری هستند. علاوه براین،

جدول ۴

رگرسیون تاب‌آوری روی سبک‌های دلبستگی، همراه با هوش هیجانی

متغیرهای پیش‌بین	متغیر ملاک	<u>R^۲</u>	<u>R</u>	<u>F</u>	β	<u>t</u>
دلبستگی ایمن					-۰/۰۸	۱/۲۸
دلبستگی نا ایمن اجتنابی					-۰/۱۶	۲/۶۰*
دلبستگی نا ایمن دوسوگرا	تاب‌آوری	۰/۳۹	۰/۶۲	۳۱/۹۷**	-۰/۱۷	۲/۹۳*
هوش هیجانی					-۰/۵۲	۹/۰۲**

*P<۰/۰۱ **P<۰/۰۵

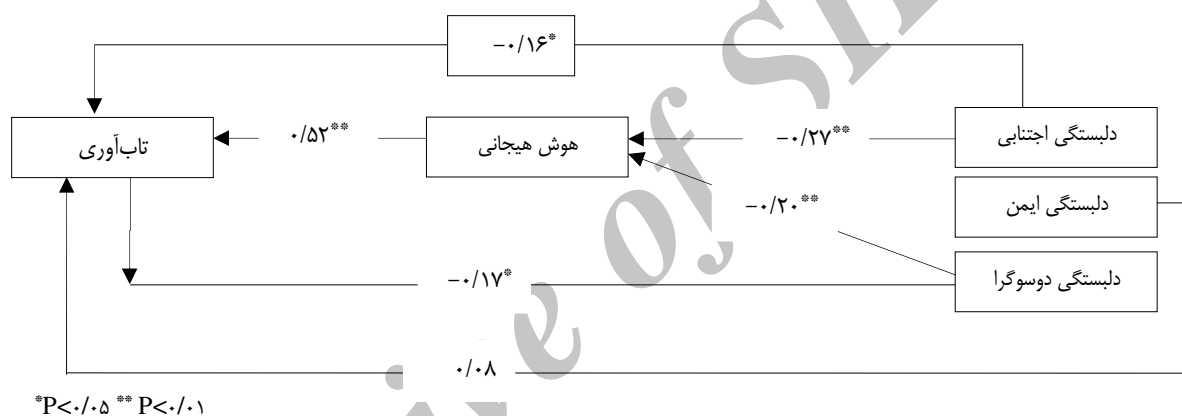
جدول ۵

جدول اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای برون‌زاد بر متغیرهای درون‌زاد

متغیر	سبک دلستگی ایمن	سبک دلستگی دوسوگرا	سبک دلستگی اجتنابی
اثرات مستقیم متغیرهای برون‌زاد تاب‌آوری بر متغیر درون‌زاد	۰/۰۸	-۰/۱۷	-۰/۱۶
اثرات غیر مستقیم متغیرهای برون‌زاد تاب‌آوری بر متغیر درون‌زاد	۰/۲۷	-۰/۲۰	-۰/۰۴
اثرات کل متغیرهای برون‌زاد بر متغیر درون‌زاد تاب‌آوری با واسطه‌گری هوش هیجانی	۰/۳۵	-۰/۳۷	-۰/۲۰

پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار تاب‌آوری در دانشجویان بود. لازم به توضیح است که در نمودار ترسیم‌شده (شکل ۲)، ضرایب استاندارد رگرسیون شاخص ضریب مسیر است.

همانطور که نمودار ۲ نشان می‌دهد، بعد از انجام سه رگرسیون، از میان سه سبک دلستگی، دلستگی دوسوگرا، به صورت مستقیم ($\beta = -0/17$) و غیرمستقیم ($\beta = -0/20$)،



شکل ۲. رابطه سبک‌های دلستگی و تاب‌آوری با واسطه‌گری هوش هیجانی

بحث

هدف پژوهش حاضر تعیین نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و تاب‌آوری بود. بدین منظور ابتدا پیش‌بینی‌کنندگی متغیر برون‌زاد (سبک‌های دلستگی) بر هوش هیجانی و پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی بر تاب‌آوری تبیین و آنگاه برای بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی به تبیین اثرات مستقیم سبک‌های دلستگی بر تاب‌آوری و اثرات غیرمستقیم سبک‌های دلستگی از طریق هوش هیجانی بر تاب‌آوری پرداخته می‌شود. یافته‌های حاصل در ارتباط با رابطه سبک‌های دلستگی با هوش هیجانی حاکی از ارتباط معنادار بین این دو متغیر بود. نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند سبک دلستگی ایمن پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار هوش هیجانی و سبک دلستگی اجتنابی پیش‌بینی‌کننده منفی معنادار هوش هیجانی بود. نتیجه به دست آمده با تحقیقات مالینکورت و وی

(۲۰۰۵)؛ حدادی کوهسار و غباری‌بناب (۲۰۱۱)، صبری (۱۳۹۲) و صبری، خوشبخت و غباری‌بناب (۱۳۹۳) همسو بود. بنابر تعریف، دلستگی پیوند عمیقی است که با افراد خاصی در زندگی خود داریم که باعث می‌شود وقتی با آنها تعامل می‌کنیم، لذت ببریم و در مواقع تنیدگی، از نزدیکی با آنها احساس آرامش کنیم (برک، ۱۳۸۸/۲۰۰۷). چنین پیوندی که هم متأثر از ویژگی‌های شخصیتی مثبت و منفی و هم نوع ارتباط با دیگران است، تأثیراتی بلندمدت از طریق ایجاد تنظیم عواطف در افراد ایجاد می‌کند (هانستینگر و لانکن، ۲۰۰۴). سبک دلستگی به چگونگی تعامل‌های مراقب یا به عبارتی والدین با فرزندان بستگی دارد. در سبک دلستگی ایمن فرد به طور فعال با محیط اجتماعی خود در تماس است و با ایجاد یک الگوی واقعی درونی^۲ که حاکی از انتظارات وی درباره دردسترس بودن شخصیت‌های دلستگی و احتمال حمایت آنها در مواقع تنیدگی است، قادر به

1. Berk, L.

2. internal working model

افراد می‌شوند. بر این اساس می‌توان گفت این مؤلفه‌ها مهارت‌های موجود در هوش هیجانی‌اند که در تاب‌آوری نقش اساسی دارند. از سوی دیگر از مهم‌ترین مهارت‌های برون‌فردی در هوش هیجانی، همدلی، تعهد و درک دیگران است که با تعریف تاب‌آوری مبنی بر مواجهه با شرایط تنیدگی‌زا در موقعیت‌های بین‌فردی و اجتماعی تطابق دارد. والر (۲۰۰۱) معتقد است تاب‌آوری، سازش‌پذیری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است. در این تعریف تاب‌آوری با یکی دیگر از مؤلفه‌های هوش هیجانی که عبارت است از سازگاری و انعطاف‌پذیری تطابق دارد. به عبارتی دیگر، مهارت تنیدگی، خلق عمومی و مهارت‌های درون‌فردی و بین‌فردی هوش هیجانی در خودنظم‌دهی، مهارت و تاب‌آوری افراد اهمیت بسزایی دارند (مالدینگ و دیگران، ۲۰۱۲). کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) نیز بر رابطه تاب‌آوری و تعادل و تنظیم عاطفی تأکید دارند.

نتایج تحلیل رگرسیون به منظور بررسی نقش واسطه‌ای هوش هیجانی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تاب‌آوری نشان دادند از بین سبک‌های دلبستگی، سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی صرفاً به صورت مستقیم و سبک دوسوگرا به صورت مستقیم (منفی و معنادار) و غیرمستقیم از طریق هوش هیجانی، تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کنند. نتایج به دست آمده در مورد اثرات غیرمستقیم با تحقیقات حدادی‌کوهسار و غباری‌بناب (۲۰۱۱)، غباری‌بناب و حدادی‌کوهسار (۲۰۱۱) و سیمپسون و دیگران (۲۰۰۷) و در ارتباط با اثرات مستقیم سبک‌های دلبستگی بر تاب‌آوری با تحقیقات اتول (۲۰۰۶) و ماستن و کواتسورت (۱۹۹۸) همسو است. ماستن و کواتسورت (۱۹۹۸) معتقدند در سال‌های تحصیل، ارتباط‌های مناسب اجتماعی و پیشرفت‌های علمی ناشی از نوع مراقبت‌های اولیه از سوی والدین، رابطه عاطفی کودک با والدین یا به عبارت دیگر، کیفیت دلبستگی کودک است و همچنین در این ارتباط تحول شناختی^۴ و خودنظم‌دهی افراد نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند. از دیدگاه این محققان عوامل مربوط به سبک دلبستگی و تحول شناختی موجب افزایش تاب‌آوری می‌شوند. اتول (۲۰۰۶) نیز معتقد است گرچه سبک دلبستگی و تاب‌آوری، مسیرهای متفاوتی در گسترش دانش روان‌شناسی

تنظیم عواطف و هیجان‌های خود و انجام عملکرد بهینه است (بالبی^۱، ۱۹۸۰ نقل از برک، ۲۰۰۷/۱۳۸۸). بر این اساس هرچه توانایی‌های شناختی، هیجانی و اجتماعی بیشتر می‌شود، تعامل‌ها افزایش می‌یابند و فرد در الگوی واقعی درونی ایجادشده تجدیدنظر می‌کند و آن را به دیگران گسترش می‌دهد. در واقع الگوی واقعی درونی، بخش مهمی از شخصیت می‌شود و اساس تمام روابط صمیمانه فرد را در آینده تشکیل می‌دهد (برتوتون^۲ و مان‌هولند^۳، ۱۹۹۹ نقل از برک، ۲۰۰۷/۱۳۸۸). هانستینگر و لانکن (۲۰۰۴) بر این باورند که افراد با سبک دلبستگی ایمن نسبت به کسانی که دلبسته نایمن هستند، از خودپندار مثبت بیشتری برخوردارند و این امر موجب تمرین رفتارهای سالم بیشتری در فرد می‌شود و در نتیجه مهارت موقعیت‌های هیجانی و عاطفی آنها بیشتر می‌شود. کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) نیز نشان داده‌اند افرادی که مشکلات هیجانی و عاطفی دارند از سبک‌های دلبستگی نایمن برخوردارند و بیشتر به دنبال جلب توجه سایرین، صمیمیت بیش از حد با غریبه‌ها و داشتن روابط دوستانه محدود هستند. بر این اساس می‌توان گفت از آنجا که سبک دلبستگی بر اساس نوعی رابطه هیجانی و عاطفی بین مراقب و فرزندان شکل می‌گیرد، اساس و پایه تنظیم هیجانی در آینده می‌شود.

در ارتباط با پیش‌بینی‌کنندگی هوش هیجانی بر متغیر تاب‌آوری نیز نتایج حاکی از رابطه مثبت و پیش‌بینی‌کنندگی مثبت معنادار هوش هیجانی بر تاب‌آوری بود. نتیجه به دست آمده با تحقیق ارک و دیگران (۲۰۰۸)، رینورد و دیگران (۲۰۱۳) و لیو و دیگران (۲۰۱۳) همسو بود. طبق تعریف باران (۲۰۰۰) هوش هیجانی از مؤلفه‌های درون‌فردی و برون‌فردی متعددی تشکیل شده است. مؤلفه درون‌فردی مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، جرأت‌ورزی، استقلال، خودنظم‌دهی و خودشکوفایی را دربر می‌گیرد که نقش بسزایی در تاب‌آوری دارند. تیمرمن و املاکامپ (۲۰۰۶) معتقدند سبک‌های دلبستگی مهارت و تسلطی را در افراد ایجاد می‌کنند که در برخورد و مقابله با موقعیت‌های ناگوار و ناراحت‌کننده نقشی اساسی دارند. به اعتقاد ماستن و کواتسورت (۱۹۹۸) مؤلفه‌های استقلال عمل، حل مسئله و شایستگی، مهارت‌های اساسی هستند که موجب تاب‌آوری در

1. Bowlby, J.

2. Bretherton, I.

3. Munholland, K. A.

4. cognitive development

احتیاط الزامی است. افزون بر آن، به دلیل آنکه اعمال کنترل برای حذف اثر تفاوت‌های فردی یا دیگر متغیرهای مداخله‌گر احتمالی در طرح‌های پژوهشی از نوع همبستگی، به صورت مستقیم امکان‌پذیر نیست و صرفاً به شیوه‌های نمونه‌برداری و مشابه‌سازی نمونه با جامعه طبیعی بسنده می‌شود، روابط تحلیل‌شده از تعمیم‌پذیری بالایی برخوردار نیست.

منابع

- احمدی‌ازغندی، ع.، فراست‌معمار، ف.، تقوی، ح. و ابوالحسینی، آ. (۱۳۸۵). روایی و اعتبار پرسشنامه رگه هوش هیجانی پترایزد و فارنهام. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۳ (۱۰)، ۱۶۸-۱۵۷.
- برک، ل. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)*. ترجمه ی. سیدمحمدی. تهران: نشر ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۷).
- بشارت، م. ع. (۱۳۸۴). *هنجاریابی مقیاس دلبستگی بزرگسال*. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، م. ع. (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای راهبردهای نظم‌دهی شناختی هیجان در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و ناگویی هیجانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۰ (۳۷)، ۱۶-۵.
- تجلی، ف. و لطیفیان، م. (۱۳۸۷). تأثیر ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده بر سلامت روان با واسطه هوش هیجانی نوجوانان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۴ (۱۶)، ۴۲۲-۴۰۷.
- جوکار، ب. (۱۳۸۶). نقش واسطه‌ای تاب‌آوری در رابطه بین هوش هیجانی و هوش عمومی با رضایت از زندگی، *روان‌شناسی معاصر*، ۴ (۱۲-۳).
- حسینی، ج.، شیخان، ر.، آریاناکیا، ا. و محمودزاده، ا. (۱۳۹۲). اضطراب اجتماعی نوجوانان: نقش سبک‌های دلبستگی و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۶)، ۳۷۰-۳۶۳.
- دل‌آوردی‌پور، م. آ.، سلطانی، م. و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۷). پیش‌بینی بهبود پذیرایی بازگشت به سوء مصرف موادمخدر بر پایه هوش هیجانی و روبرویی مذهبی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی ایران*، ۱۴ (۳)، ۳۱۵-۳۰۷.
- صبری، م. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده،

داشته‌اند، اما این دو عامل مکمل یکدیگرند و هر چه سبک‌های دلبستگی به سوی ایمنی متمایل شوند، تاب‌آوری افزایش می‌یابد. از دیدگاه وی، سبک‌های دلبستگی با تأثیری که بر خودکارآمدی، خودپنداری و شایستگی می‌گذارند موجب افزایش مقاومت و تاب‌آوری فرد می‌شوند. راتر (۱۹۹۴) به ارتباط حساس ایمنی و نایمنی در موفقیت‌های بعدی افراد با توجه به نوع خودپنداشتی که در آنها شکل می‌گیرد، پرداخته است. راتر (۱۹۹۴) به ویژه به نقش منفی سبک‌های دلبستگی نایمن و تأثیری که این سبک‌ها بر ایجاد خودپنداشت ضعیف می‌گذارند، تأکید دارد. در همین راستا، هانستینگر و لانکن (۲۰۰۴) معتقدند سبک‌های دلبستگی با ایجاد هسته مهار در افراد بر بروز رفتارهای سالم تأثیر می‌گذارند. هرچه هسته مهار درونی‌تر باشد، رفتارهای سالم و موفق بیشتر می‌شوند. سبک‌های دلبسته دوسوگرا و اجتنابی حاکی از عدم تماس مناسب با مراقب و عاطفه کم است که می‌تواند نقش منفی بر هسته مهار و در نتیجه رفتارهای موفق از جمله تاب‌آوری داشته باشد. کایلرز، اشمیت و واگنر (۱۹۹۷) بر این باورند که بر حسب سبک‌های دلبستگی و متناسب با میزان تسلط یا تأیید از یک‌سو و میزان صمیمیت یا دوری افراد در روابط عاطفی از سوی دیگر، تاب‌آوری متفاوت است. بر این اساس می‌توان گفت از آنجا که در سبک‌های دلبستگی دوسوگرا، ترس از پذیرش و در سبک‌های دلبستگی اجتنابی، تصور منفی از دیگران، حاکم بر ارزش‌ها و دیدگاه‌های فرد است، خودپنداشت و هسته مهاری که در افراد شکل می‌گیرد مانع از پذیرش و تحمل موقعیت‌های تنیدگی‌زا و به عبارت دیگر تاب‌آوری می‌شود. این امر که سبک دلبستگی دوسوگرا نقش مستقیم و غیرمستقیم در ارتباط با تاب‌آوری دارد، می‌تواند ناشی از آن باشد که در این سبک اگرچه فرد خواهان حمایت و روابط صمیمانه است، اما ترس از عدم پذیرش دیگران مانع از ایجاد ارتباط صحیح و پذیرش موقعیت‌های مختلف اجتماعی می‌شود و این جذب و دفع اهمیت بسزایی در تاب‌آوری و شکل‌گیری آن دارد.

باتوجه به اینکه در پژوهش حاضر، صرفاً دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته‌اند، در تعمیم یافته‌ها به سایر گروه‌ها رعایت

- logy, 51, 1173-1182.
- Bartley, M., Head, J., & Stansfeld, S. (2007).** Is attachment style & source of resilience against health inequalities at work? *Social Science & Medicine*, 64 (4), 756-775.
- Brenning, K., & Braet, C. (2013).** The emotion regulation model of attachment: An emotion-specific approach. *Personal Relationships*, 20 (1), 107-123.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003).** Development of a new Resilience Scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (*CD-RISC*). *Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- GhobaryBonab, B., & HaddadiKoohsar, A. A. (2011).** Relation between emotional intelligence and attachment styles in delinquent adolescents. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 963-967.
- HaddadiKoohsar, A. A., & GhobaryBonab, B. (2011).** Relation between emotional intelligence and quality of attachment in high school administrators. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 949-953.
- Hawkins-Rodgers, Y. P. (2007).** Adolescents adjusting to a group home environment: A residential care model of reorganizing attachment behavior and building resiliency. *Children and Youth Services Review*, 29, 1131-1141.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987).** Conceptualizing romantic love as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 511-524.
- Hooper, L. M. (2007).** The application of attachment theory and family systems theory to the phenomena of parentification. *Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 15 (3), 217-223.
- Huntsinger, E. T., & Luecken, L. J. (2004).** Attachment relationships and health behavior: The mediator role of emotion regulation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 86 (3), 403-411.
- سبک‌های دلبستگی و کیفیت زندگی در دانش‌آموزان دبیرستانی: نقش میانجیگری هوش عاطفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- صبری، م.، البرزی، م. و بهرامی، م. (۱۳۹۲).** رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۹ (۲)، ۶۳-۳۵.
- صبری، م.، خوشبخت، ف. و گلزار، ح. (۱۳۹۳).** رابطه سبک‌های دلبستگی و سازگاری اجتماعی: نقش واسطه‌ای هوش هیجانی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۱۱ (۴۲)، ۱۹۴-۱۸۱.
- گیلک، م.، محمدی، ع. و باقری، ف. (۱۳۹۲).** رابطه تاب‌آوری و خودپنداشت با خودکارآمدی معلولان جسمی دخترا: نقش واسطه‌ای خلاقیت. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۹ (۳۵)، ۳۱۵-۳۰۷.
- Arce, E., Simmons, A. W., Winkielman, P., Stein, M. B., Hitcock, C., & Paulus, M. P. (2008).** Association between individual differences in self-reported emotional resilience and the affective-perception of neutral faces. *Journal of Affective Disorders*, 25, 210-222.
- Armstrong, A. R. A., Galligan, R. F. B., & Critchley, C. R. (2011).** Emotional intelligence and psychological resilience to negative life events. *Personality and Individual Differences*, 51, 331-336.
- Atwool, N. (2006).** Attachment and resilience: Implications for children in care. *Child Care in Practice Journal*, 12 (4), 315-330.
- Bar-On, R. (2000).** Emotional and social intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ-I). In R. Bar-On & J. D. A. Parker (Eds.), *Handbook of emotional intelligence* (pp. 363-388). San Francisco: Jossey-Bass.
- Baron, R. M., & Kenny, D. A. (1986).** The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: Conceptual, strategic, and statistical consideration. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51 (11), 1173-1182.

- and resilience as predictors of leadership in school administrators. *Journal of Leadership Studies*, 5 (4), 20-29.
- Mayer, J. D., Salovey, P., & Caruso, D. R. (2008).** Emotional intelligence: New ability or eclectic traits? *American Psychologist*, 63, 503-517.
- Min, J. A., Yu, J. J., Lee, C. U., & Chae, J. H. (2013).** Cognitive emotion regulation strategies contributing to resilience in patients with depression and/or anxiety disorders. *Comprehensive Psychiatry*, 54, 1190-1197.
- Pepping, C. A., Davis, P. J., & O'donovan, A. (2013).** Individual differences in attachment and dispositional mindfulness: The mediating role of emotion regulation. *Personality and Individual Differences*, 54, 453-456.
- Petrides, K. V., & Furnham, A. (2001).** Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies. *European Journal of Personality*, 15, 425-448.
- Reynaud, E., Guedj, E., Souville, M., Trousselard, M., Zendjidjian, X., ElKhouryMalhame, M., Fakra, E., Nazarian, B., Blin, O., Canini, F., & Khalfa, S. (2013).** Relationship between emotional experience and resilience: An fmRI study in firefighters. *Neuropsychologia*, 51(5), 845-849.
- Rholes, W. S., & Simpson, J. A. (2004).** Attachment theory: Basic concepts and contemporary questions. In W. S. Rholes & J. A. Simpson (Eds.), *Adult attachment: Theory, research, and clinical implications* (pp. 3-14). New York: Guilford Press.
- Rutter, M. (1994).** Stress research: Accomplishments and tasks ahead. In R. J. Haggerty, L. R. Sherrod, N. Garmezy, & M. Rutter (Eds.), *Stress, risk and* ational role of self-esteem. *Psychology & Health*, 19 (4), 515-526.
- Kafetsios, K. (2004).** Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. *Personality and Individual Differences*, 37, 129-145.
- Kiesler, D. J., Schmidt, J. A., & Wagner, C. C. (1997).** A circumplex inventory of impact messages: An operational bridge between emotional and interpersonal behavior. In R. Plutchik & H. R. Conte (Eds.), *Circumflex models of personality and emotions* (pp. 221-244). Washington, DC: American Psychological Association.
- Kim, Y. (2005).** Emotional and cognitive consequences of adult attachment: The mediating effect of the self. *Journal of Personality and Individual Differences*, 39 (5), 913-923.
- Liu, Y., Wang, Z., & Lü, W. (2013).** Resilience and affect balance as mediators between trait emotional intelligence and life satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 54(7), 850-855.
- Mallinckrodt, B., & Wei, M. (2005).** Attachment, social competencies, social support and psychological distress. *Journal of Counseling Psychology*, 52, 358-367.
- Masten, A. S., & Coatsworth, J. D. (1998).** The development of competence in favorable and unfavorable environments. *American Psychologist*, 53, 205-220.
- Masten, A. S., & Reed, M. G. J. (2004).** Resilience in development, In Snyder, C. R. & Lopez, Sh. J. (Eds.), *Handbook of positive Psychology*. New York: Oxford University Press.
- Maulding, W., Peters, G. B., Roberts, J., Leonard, E., & Sparkman, L. (2012).** Emotional intelligence

The relationship between attachment styles and cluster B personality disorder in prisoners and forensic inpatients. *Interpersonal Journal of Law and Psychiatry*, 29, 48-56.

Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71, 290-297.

Zeidner, M., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2009). *What we know about emotional intelligence: How it affects learning, work, relationships, and our mental health.* Cambridge, MA: MIT Press.

resilience in children and adolescents: Processes, mechanisms and interventions (pp. 354-386). Cambridge: Cambridge University Press.

Shabani, J., & Hassan, S. A., Ahmad, A., & Baba, M. (2010). Exploring the relationship of emotional intelligence with mental health among early adolescents. *International Journal of Psychological Studies*, 2(2), 209-216.

Svanberg, O. G. (1998). Attachment, resilience and prevention. *Journal of Mental Health*, 7(6), 543-578.

Timmerman, I. G., & Emmelkamp, P. M. G. (2006).

Archive of SID